



تخته سیاه



محمد زین الدینی

داستان نویس

در میان سکوت دلهره‌آور بعد از سوال معلم، می‌توانست به آسانی صدای تپش‌های قلبش را بشنود و هر بار که خط‌کش چوبی بالا می‌رفت، حس می‌کرد از ضربان می‌ایستد و می‌خواهد از میان سینه‌اش بیرون بپرد و کف کلاس بیفتد و صدای برخورد خط‌کش با کف دستش که بلند می‌شد، سوزشی عمیق در قلبش نفوذ می‌کرد.جرات نداشت دستش را عقب بکشد، چون تنبیه این کار، بیشتر خط‌کش خوردن بود.

با اضطراب در چشمان خشمگین معلم می‌نگریست و لرزش مداوم مردمک‌هایش، سرگیجه و منگی غریبی در سرش پدید آورده بود. اعداد پشت سرهم از میان لب‌های معلم خارج می‌شد و او تنها می‌توانست حرکت سیل‌های پریشان و سیاه‌وار را روی لبانش ببیند و هیچ نمی‌شنید مگر صدای برخاسته از دستان سرخ و منتهش.

– چهار، پنج تا؟ شش، هشت تا؟ هشت، نه تا؟ مگه جدول ضرب بلد نیستی؟ سر

کلاس خواست کجاست؟ مگه نگفتم همه باید امروز جدول ضرب رو حفظ باشن؟

دیشب توی خونه چه غلطی می‌کردی؟

تلاش می‌کرد به ذهنش فشار آورد و پاسخ سوال‌های معلم را بدهد، اما انگار اعداد با هم دست‌به‌پیکي کرده بودند تا خط‌کش مدام بر کف دست‌های او کوبیده شود. لحظه‌ای به دستانش خیره شد و بعد به کنارش نگاه کرد، سه همکلاسی‌اش هم‌دیف با او پای تخته‌سیاه ایستاده بودند و تلاش می‌کردند دست‌هایشان را که باد کرده بود و می‌سوخت، در زیر بازوهای کودکانه‌شان فشار دهند تا شاید قدری از دردش کاسته شود. یادش نمی‌آمد چند بار خط‌کش به دست‌چپش خورد که دیگر دردی حس نکرد، یعنی درست بعد از آنکه معلم پرسیده، «چهار، هفت تا؟» و او در پاسخ سکوت کرده بود، این اتفاق افتاد، دستش بی‌حس شده بود و حالا داشت کلاس دور سرش می‌چرخید. فکر کرد تخته سیاه از پشت سرش حرکت کرده و آماده درست جلوی صورتش ایستاده و بر سطح سیاه آن، اعداد جدول ضرب را می‌دید که بر روی خطوط سفید شروع به رژه رفتن کرده‌اند و مدام به او دهن‌کجی می‌کنند. دیگر نتوانست سرپا بایستد، خودش را می‌دید که به درون سیاهی تخته سقوط می‌کند و اعداد بالای سرش ایستاده‌اند و او را مسخره می‌کنند.

– چرا گریه می‌کنی بابایی؟ چون من خواستم امشب بیای پیشم بخوابی؟ ببخشید. به جون خودم می‌ت‌رسیدم. دیشب همش خواب می‌دیدم خانم معلم دعوام می‌کنه چون دفتر مشقم مرتب نیست. دیگه نمی‌گم شب بیای پیشم. گریه نکن بابایی، منم گریه‌ام می‌گیره ها.. صدای التماس‌های کودکانه دختر هشت ساله‌اش، سمیرا، او را به سرعت از میان تونلی طولانی و تاریک گذراند، تونلی به طول ۳۰ سال. به دست‌های کوچک سمیرا نگاه کرد که حالا تلاش می‌کرد اشک را از صورت او پاک کند و چشم‌های مضطربش که خود را مقصر فریاده و گریه‌های دلخراش پدرش در خواب، می‌دانست. یادش آمد سمیرا از او خواسته تا آن شب را در اتاق او و کنارش بخوابد تا دیگر نگران فرادی مدرسه نباشد و به او اطمینان دهد فردا دیگر خانم معلم او را به خاطر نامنظم بودن مشق‌هایش دعوا نمی‌کند اما حالا کابوسی ۲۰ ساله در مقابل چشمانش زنده شده بود و بی‌اختیار اشک می‌ریخت.

– بابایی چرا دستانتو فشار می‌دی؟ می‌سوزن؟! خونی شدن؟! می‌خوای بوششون کنم خوب بشن؟! آکه نازشون کنم دیگه نمی‌سوزه؟! جون من به چیزی بگو بابایی...

فرماندار گلپایگان:

عاملان جنایت در گلپایگان هیچ‌گونه ارتباطی با داعش ندارند

فرهیختگان| فرماندار شهرستان گلپایگان گفت: «سارقانی که جنایت گلپایگان را رقم زدند، هیچ‌گونه ارتباطی با گروه تروریستی داعش ندارند.» حسین فراسات اظهار کرد: «یکی از سارقان مسلح که در درگیری اخیر با ماموران انتظامی پلیس به هلاکت رسیده بود مورد شناسایی قرار گرفت.» او با بیان اینکه فرد به هلاکت رسیده ساکن اصفهان بوده است، یادآور شد: «این اشراار هیچ‌گونه ارتباطی با گروه تروریستی داعش ندارند.» فرماندار گلپایگان افزود: «با توجه به سوابق به دست آمده عمده فعالیت این اشراار سرقت بوده و حدود سه بار نیز زندانی شدند، اما انگیزه این افراد هنوز مشخص نشده است.»

قدیمی ترین حادثه‌نگار کشور در گذشت

#

عنایت‌الله گلستانه، قدیمی‌ترین حادثه‌نگار رسانه‌های ایران، در ۸۷ سالگی در تهران درگذشت. او که نهم دی‌ماه ۱۳۰۶ در تهران متولد شده بود، چند روز پیش از زادروزش به علت بیماری از دنیا رفت. گلستانه در اواسط دهه ۲۰ کار روزنامه‌نگاری را از «کیهان» آغاز کرد.او در نیمه اول دهه ۳۰ جب روزنامه اطلاعات شد و به جای درج اعلامیه‌های سازمان‌ها، از آنها به صورت سرخ استفاده می‌کرد و خود همانند یک کارآگاه در محل حادثه به تحقیق می‌پرداخت.گلستانه محاکمه‌های مهمی را ازجمله محاکمه خسرو روزبه (از دستگیری تا اعدام)، افسران حزب توده، دکتر مصدق، ترور رزم‌آرا، حسعلی منصور و... پوشش داده بود.

نیمه غایب

تخته سیاه

فرنار استاندوری| «دُ زبان

کلاتری بود و آن روز به‌جای دوستش که برای زیارت به مشهد رفته بود سر پست حاضر شده بود. وقتی خبر درگیری سارقان با نیروی انتظامی به مرکزیشان اعلام شد با دو اکپ از عوامل انتظامی به محل حادثه رفتند؛ همان‌جا که به رگبار بسته شد و گلو و سینه و صورتش غرق در خون شد.

جای سالم

در بدن برادرمانمانده بود

صحبت از حسین صبحی یکی از ماموران کلاتری گلپایگان است که در ششمین روز دی ماه در جریان درگیری با سارقان به شهادت رسید. حسین که ۲۲ سال داشت تنها دو ماه به پایان‌خدمت سربازی‌اش مانده بود. سلیمان صبحی برادر حسین در گفت‌وگو با فرهیختگان درباره یسا روز حادثه گفت: «از گلپایگان با ما تماس گرفتند و گفتند حسین

۲۵ضربه چاقو بر پیکر دوست همسر

مردی که پسر همسایه را در خانه‌اش و به ظن رابطه با همسرش کشته بود درخواست بخشش کرد

فرهیختگان|مرد جوان وقتی سر زده از محل کارش به خانه برگشت و با پسر همسایه روبه‌رو شد او را با بیش از ۱۵ ضربه چاقو کشت. این مرد پرویز در حالی که به‌شدت اشک می‌ریخت به پای پدر و مادر قربانی افتاد و از آنها درخواست بخشش کرد.

رسیدگی به این ماجرا از ظهر هجدهم تیر ۹۲ به دنبال گشته شدن پسر ۲۲ ساله‌ای به نام کیوان در طبقه دوم یک آپارتمان در شهر قدس در دستور کار پلیس قرار گرفت. پلیس وقتی به آپارتمان مورد نظر رسید با مرد صاحبخانه به‌نام یوسف روبه‌رو شد که دستانش خونین بود. او به ماموران گفت: «کیوان پسر همسایه‌مان بود. وقتی از سر کار به خانه آمدم و با او و همسرم روبه رو شدم با هم درگیر شدیم. کیوان به رویم چاقو کشید و چون می‌دانستم ممکن است با هم‌دستی همسرم سولماز مرا بکشد او را کشتم.»

به دنبال اظهارات این مرد همسرش نیز تحت‌بازجویی قرار گرفت و به رابطه پنهانی با قربانی اعتراف کرد.زن ۲۴ ساله گفت: «شوهرم از صبح تا شب سر کار بود و من و دختر و سالم در خانه تنها بودیم. به همین خاطر وقتی در خیابان با پسر همسایه روبه‌رو شدم سر صحبت را باز کردم. بعد از آن ملاقات کیوان هر روز بسا من تماس می‌گرفت و با او درد دل می‌کردم. او را برای خوردن صبحانه به خانه‌مان دعوت کرده بودم که شوهرم سر رسید. کیوان به محض اینکه با شوهرم روبه‌رو شد گفت که برای سرقت به خانه‌مان آمده است. او التماس کرد تا شوهرم او را رها کند اما شوهرم او را کشت.»

به دنبال بازسازی صحنه جرم برای یوسف

حوادث



چهارشنبه ۱۰ دی ۱۳۹۳ | ۸ ربیع‌الاول ۱۴۳۶ | ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴ | شماره ۱۵۶۰

گفت‌وگوی فرهیختگان با برادر حسین صبحی یکی از ماموران شهید در درگیری گلپایگان

مامور شهید روز حادثه به‌جای دوستش پست می‌داد



حسین توضیح داد: «او دو سال پیش ازدواج کرده بود و هنوز فرزندی نداشتند. حسین در کلاتری گلپایگان خدمت می‌کرد و پست خدمتش دژبانی بود. او که تنها دو ماه

از خدمتش باقی مانده بود روز حادثه به‌عنوان نیروی مسلح در مکان حادثه حضور داشت.» وی توضیح داد: «روز قبل از حادثه یکی از ماموران کلاتری برای رفتن به زیارت امام (رضا(ع) از حسین درخواست کرده بود به جای او در کلاتری بماند. حسین نیز وقتی فهمید دوستش قصد رفتن به مشهد را دارد پست او را بر عهده گرفت.»

صبحی افزود: «روز حادثه نیز وقتی سارقان به گلپایگان آمدند قرار شد دو اکپ از ماموران پلیس آگاهی به همراه یگان امداد به محل حادثه بروند.

دو ماه تا پایان‌خدمت شهید صبحی باقی بود

سلیمان در رابطه با وضعیت تاهل

کیفرخواست صادر شد و او

دیروز در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی باقری و با حضور چهار مستشار پای‌میز محاکمه‌ایستاد. در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده پدر و مادر مقتول

در جایگاه ویژه ایستادند و برای یوسف حکم قصاص

خواستند.

نوبت دفاع به یوسف که رسید به قتل اعتراف کرد و گفت: «مدتی بود که به رابطه تلفنی همسرم با یک مرد غریبه پی برده بودم.وقتی به سولماز اعتراض کردم گفت از سر بیکاری با یک پسر جوان صحبت می‌کند.

همان روز می‌خواستم خودم را بکشم، اما همسرم قول داد دست از این رفتار بردارد. من هم به‌خاطر دختر دو سالم‌ام او را بخشیدم و به زندگی برگشتم.» او در تشریح جزئیات ماجرا گفت: «زندیک ظهر بود که یک‌باره تصمیم گرفتم سرزده از محل کارم به خانه بروم. وقتی در خانه را با کلید یدک باز کردم پشت مبل پسر همسایه را دیدم. او می‌خواست از خانه فرار کند که مانع او شدم و کتکش زدم. من قبلا هم کیوان را دیده بودم که مقابل خانه‌مان پرسه می‌زد، اما هرگز فکر نمی‌کردم با همسرم در ارتباط باشد.او به رویم چاقو کشید و من چاقو را از دستش گرفتم و بیش از ۱۵ ضربه به او زدم.» یوسف در حالی که اشک می‌ریخت به پای پدر و مادر مقتول افتاد و گفت: «من تقاضا دارم به خاطر دختر و پسر خردسالم

www.Farheekhtegan.ir

Wed | 31 Dec 2014 | vol.06 | No. 1560

حسین نیز یکی از مامورانی بود که به این عملیات اعزام و به رگبار بسته شد.» وی ادامه داد: «دستگاه‌های مربوطه و نهاده‌ها تاکنون به ما لطف داشته‌اند و کنارمان بوده‌اند.»

ششم دی ماه چهار سارق مسلح در درگیری با ماموران انتظامی در خمین دو مامور را مجروح کردند و سپس وارد شهرستان گلپایگان شدند و در آنجا نیز سه مامور را شهید و سه مامور دیگر را مجروح کردند. در ادامه این درگیری سارقان با تیراندازی به یک راننده وانت و پسرش آنها را نیز به رگبار بستند و با وانت متواری شدند. در این درگیری سرهنگ هاشمی جانشین فرمانده انتظامی گلپایگان نیز به شهادت رسید. یکی از سارقان مسلح با شلیک پلیس در این درگیری کشته شد و بقیه سارقان متواری شدند. سارقان این پرونده هنوز متواری هستند و شناسایی این سه نفر در دستور کار پلیس اصفهان قرار دارد.

گزارش کوتاه

مرا ببخشید.» در حالی که این درخواست از سوی اولیای دم رد شده بود، هیات قضایی وارد شور شد تا برای یوسف رای صادر کند.

بهترین راه قانون است

درساره وقوع چنین جنایت‌هایی، غلامرضا طبرانیان، حقوقدان و جامعه‌شناس در گفت‌وگو با فرهیختگان می‌گوید: «یک مرد چنانچه وارد خانه‌اش شود و مرد غریبه‌ای را همراه همسرش در فراش ببیند و با اعتقاد به مهدورالدم بودن آنها دست به جنایت بزند طبق قانون هیچ مجازاتی برای وی در نظر گرفته نخواهد شد. اما چنانچه شرط مهدورالدم بودن مهیا نباشد و مثلا آنها را در حال صحبت کردن با یکدیگر ببیند مطابق قانون مجاز به قتل نیست. در این صورت چنانچه قتلی رخ دهد بی‌شک متهم به قصاص محکوم خواهد شد.»

طبرانیان ادامه داد: «به هر روی در هر دو حالت بهترین کار متوسل شدن به قانون است. فرد می‌تواند بلافاصله با پلیس تماس بگیرد یا همسایه‌ها را خبر کند تا شاهدانی برای این ماجرا باشند و مانع فرار آنها شود تا پلیس در محل حاضر شود. در این صورت فرد متخلف به جرم رابطه نامشروع، به مجازاتی که در قانون آمده است محکوم خواهد شد. اما قتل در این شرایط مجازات قصاص را در پی خواهد داشت و بی‌شک بیشترین ضرر محتمل فرد متهم و خانواده‌اش خواهد شد.»

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

جدالگانه (الف-ب-ج) در موعده مقرر از دفتر فنی دانشگاه دریافت و در قبال اخذ رسید در مهلت تعیین شده تحویل دبیرخانه دانشگاه نمایند.
۳- برنده مناقصه بعد از ابلاغ حداکثر ۱۰ روز مهلت برای ارائه ضمانتنامه حسن انجام کار جهت عقد قرارداد خواهد داشت.
۴- با پاکت پیشنهاد قیمت پیمانکارانی که فاقد رتبه و یا سابقه ذکرشده باشند بازگشایی نخواهد شد.
۵- ارائه ضمانتنامه بانکی به مبلغ یک میلیارد و یکصد و پنجاه میلیون ریال و یا رسید واریز مبلغ ذکر شده به حساب دانشگاه برای شرکت در مناقصه الزامی است.
۶- مبلغ ضمانتنامه حسن انجام کار معادل پنج درصد مبلغ قرارداد خواهد بود که پس از تحویل موقت پروژه آزاد خواهد شد.
۷- دانشگاه مجاز به افزایش و یا کاهش بیست و پنج درصد به مبلغ اولیه قرارداد می‌باشد.
۸- دانشگاه در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است. ضمنا به پیشنهادهای مشروط، مخدوش و یا لاک گرفته شده و فاقد سپرده و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مهلت تعیین شده ارائه گردد ترتیب اثر داده نمی‌شود.
۹- چنانچه برنده مناقصه حاضر به انعقاد قرارداد نشود سپرده و یا ضمانتنامه او به نفع دانشگاه ضبط خواهد شد.
۱۰- هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
آگهی فوق در شبکه اطلاع‌رسانی دانشگاه آزاد اسلامی به نشانی **www.qiau.ac.ir** حوزه معاونت عمرانی در دسترس می‌باشد.
تاریخ چاپ آگهی نوبت اول: ۹۳/۱۰/۱۰
تاریخ چاپ آگهی نوبت دوم: ۹۳/۱۰/۱۶

ویژه‌نامه آخر هفته روزنامه فرهیختگان

www.FARHEEKHTEGAN.ir

بدون تیر

آتش‌سوزی در یک واحد اداری در ساختمانی مسکونی، موجب حریق گسترده در این ساختمان پنج طبقه در تهرانپارس شد. ماموران آتش‌نشانی موفق شدند ۳۰ ساکن این ساختمان را نجات دهند.

ماموران مرزبانی کردستان بیش از ۱۶ کیلوگرم انواع طلاهای قاچاق را حین ورود غیرقانونی به کشور کشف و ضبط کردند. این طلاها به طرز ماهرانه‌ای در یک خودروی تویوتا جاسازی شده بود.

اعضای باند ۱۰ نفره سارقان به عتف که با کمین شبانه در مسیر کارناوال‌های عروسی و وارد کردن ضربات چاقو و قمه و زخمی کردن عروس و داماد و همراهان آنها اموال‌شان را به سرقت می‌بردند، شناسایی و دستگیر شدند.

خبر

۶ سال ابهام در پرونده جنایت خیابان رضایی

فرهیختگان|راز قتل مرد میانسال پس از گذشت شش‌سال همچنان در هاله‌ای از ابهام ماند و خانواده وی درنهایت درخواست پرداخت دیه از بیت‌المال کردند. روز ۲۱ مرداد سال ۸۷ وقوع یک جنایت در خیابان شهید رضایی تهران به ماموران پلیس اطلاع داده شد. ماموران نیز با حضور در محل حادثه به تحقیق در این رابطه پرداختند. با حضور ماموران در محل مشخص شد که مرد میانسانی با ضربات چاقو به قتل رسیده است. کارآگاهان پلیس تحقیقات خود را درخصوص شناسایی قاتل آغاز کردند. آنها در نخستین مرحله از تحقیقات خود به بررسی تلفن همراه مقتول پرداخته و متوجه شدند که آخرین‌بار یک شماره ناشناس با مقتول تماس گرفته است. بنابراین پیگیری‌ها در این باره آغاز و در نهایت مشخص شد که آن شماره ناشناس خواهر مقتول بوده که به تازگی تلفن همراه خود را خریده و آن روز برای احوالپرسی با برادرش تماس گرفته است. بنابراین تجسس‌ها در این باره ادامه یافت اما هیچ اثری از عامل یا عاملان این جنایت پیدا نشد و هیچ سرخنی هم پیش‌روی کارآگاهان پلیس قرار نگرفت. درنهایت پس از گذشت شش سال و پیدا نشدن قاتل، خانواده مقتول درخواست پرداخت دیه از بیت‌المال کردند و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد.



نوبت اول

جدول کلمات متقاطع

۱- گلین- نابود شدن ۲- تهمت و افترا- کوشنده- زیارت‌کننده ۳- زعفران- شکبیا- غار وحی ۴- لحظه کوتاه- الونک- شامل همه می‌شود- شهید ۵- خوشبین- طلا- کاشف سل ۶- موی گردن اسب- سالک- مساله‌ای از علم ۷- قیامت- ماما- کودکی که از پا متولد شود ۸- تش باستانی- ناشناخته- فوزان ۹- مخفیانه- انسان بودن- آحاد ۱۰- دارای سطح خراشیده- جهانگرد- ستاره ۱۱- شبکه اینترنت- آدم کوچک- سال ۳۶۶ روزه ۱۲- در شبکه هندی- علامت مغفولی- موجود خیالی ترسناک- دوش و کتف ۱۳- ابتدا و آغاز- لباس ورزش کشتی- ظاهر جیزی ۴- نیمه‌گرم- ویدا- نگهبان خرم ۵- از کشورهای آسیای جنوب‌شرقی- لقب حضرت موسی(ع)

	۵	۴	۳	۲	۱	۶	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱																
۲																
۳																
۴																
۵																
۶																
۷																
۸																
۹																
۱۰																
۱۱																
۱۲																
۱۳																
۱۴																
۱۵																

۱- زبان پیهود- بیماری فقدان ویتامین C ۲- شروط بیستن- ستاره- سخن بیمار ۳- میخ- دست به یقه شدن- مشورت و کنکاش ۴- دستیار دن کیشوت- تلخ عرب- تربت- کجول ۵- هزار کیلو- تکه و قطعه- مکرسانی ۶- خواب‌رویان- همنشین- حمام تک‌نفری ۷- شکستن- اعداد و شماره‌ها- عنصر الماس ۸- قهوه حافظه- گشادگی رگ‌های پا- کم و ناچیز ۹- پند گرفتن- جای خرید لباس- ستون کشتی ۱۰- کلام پرسش- درس نوشتنی- بلاای سخت ۱۱- علاقه و پیوند- پسر زکریا(ع)- صدای کلفت ۱۲- دختر ترکی- واحد فروش گردو- منقار کوتاه- سردار نامی ایرانی ۱۳- آسایش و رفاه- پیش‌نهاد- حرکت کرم ۴- برای اینکه- بالنگ- گمان و پندار ۵- جای سکه زدن پول- چرب‌زبانی

۱۳۴۹

۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴
۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵

فرهیختگان

www.FARHEEKHTEGAN.ir